

و نیت است در اول که هیچ طاعت نکرده بودی و نیت و غیره
 با ما اجنان بود که اگر تا باند بانی از نیت ما بر نکرده و عبادت
 غیر ما نکرده ما بدین نیت بهشت ابد میزد تو کردیم بر چون
 بطاعت خود کردی ما ترا و طاعت ترا تو باز نمودیم اکنون که
 آوردی بر تو کرده کردیم و ترا بخشیدیم اکنون بدانند که بهشت
 جاوید بعضی نیت جاوید می دهند و عبادت شما پیدا است که
 پس اگر نه و عله بهشت بودی و نه ترس از دوزخ این نیت
 نیت کردی پس از این خبر چندین خط نیت بگیر **اول** الله
 را خالق خودانی **دوم** آنکه بطاعت خود مغرور نشوی **سوم**
 آنکه بی نیازی حق تعالی بدانی عجز و مسکنت و بیچارگی بیشتر آری
 که در آن حوض آب دیده و سوز سینه میخورد **نیت**
 پادشاهان بر لطف پناه آورده ایم دیده گویان زبان عدو خواه آورده ایم
 چارچرخ آورده ایم یارت که در کج تو نیست و حلیه و جزم و کلاه آورده ایم
 پس نیت میباید کرد و از قهاری و جباری او بیاید ترسید
 و امید بفضل و رحمت او باید داشت که هر کس که او بخواند

چنانچه در این کتاب مذکور است
 که در این کتاب مذکور است
 که در این کتاب مذکور است
 که در این کتاب مذکور است

ذکر

ذکر التوذ العظیم و اگر براند بفعل الله ما شاء خدایه بزرگ
 چند نیت فرمود و در اینجا مناسب است **نیت**
 لطف آنرا که خواند که تواند که براند هر کس که ملک بویخسره که او باز ستاند
 تاهوی که طوطی به خانه فرستد که در آن ضلالت زمان در کسلا نیت
 تا خود راه نیاید بخدا راه نیاید و اصل آنست که خود را از خودی باز رها
 تا هدایه نبود سعی کسی بود **نیت** نیت عارض بجهان خود این راه نداند
 هر کس این راه بیابان نرساند سلامت ای کساره زو و حاکم که در راه بماند
 در پایان طلب کعبه مقصود نیابند با فضیلتان بالا هر که تحمل نتواند
 که در کار عنایت بوزد نفع لطفی از دل خانه کافر کل ایمان بداند
 ای جنین آنکس از این عرصه ببرد کوی **سعاد** که جهان مرکب ایمان سلامت بچاند
حکایت اول بدانکه طالب بی شیخ مرشد کامل بجای
 نمیرسد و اگر بی پیرو راه دیده قلم درین راه نهد البته راه
 گم کند چرا که آفاه طریق بسیار است و شناختن آن دشوار
 پس اگر نه پیرو مرشد باشد که مشرف باشد بر دل مرید تا ویران عقبات
 بگذراند پس درین راه بهرزه هلاک خبا که **مقرر است**